

مجله مطالعات ایرانی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال دهم، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۹۰

تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با تأکید بر جایگاه جیرفت*

دکتر جواد عباسی
استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد
لیلا میری
دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ

چکیده

شهر باستانی جیرفت برای قرن‌ها دارای موقعیت راهبردی مهمی در حوزه جنوب شرق ایران بود. این شهر پایتخت زمستانی ملوک کرمان و یکی از شهرهای مهم در تولید محصولات صنعتی و معدنی به شمار می‌رفت. عبور شاهراه تجاری هرمز به کرمان از جیرفت، باعث می‌شد که این شهر مرکز توجه بازرگانان داخلی و خارجی باشد. علی‌رغم حمله اقوام مختلف کوچ، بلوچ و نکوداریان جیرفت توانست موقعیت خود را به عنوان واسطه تجارت نواحی داخلی ایران با حوزه خلیج فارس حفظ کند و نقش سیاسی و اقتصادی مهمی در مجموعه قلمرو ملوک کرمان داشته باشد. در این مقاله تلاش بر این است تا با استفاده از شواهد و منابع موجود و استفاده از رویکرد تحقیقات تاریخی، تجارت جیرفت در سده‌های ششم تا هشتم هجری بررسی شود. اهمیت این بررسی در آن است که وضعیت و موقعیت تجاری منطقه در دوران قبل و بعد از سلطه مغولان بر ایران و عصر حاکمیت خاندان‌های مهمی چون سلجوقیان کرمان، قراختیایان و آل مظفر را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی

تجارت، سلجوقیان، قراختیایان، آل مظفر، خلیج فارس، کرمان، جیرفت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۳/۱۶
نشانی پست الکترونیک نویسنده: abbasiiran@yahoo.com

۱- مقدمه

روی کارآمدن سلجوقیان کرمان در نیمه قرن پنجم هجری سرآغاز تحول مهمی در این منطقه شد. بدین معنی که حکومت جدید توانایی مقابله با حملات اقوام مختلف و دست اندازی حکام ایالت‌های مجاور را داشت. این ویژگی تأمین کننده امنیت راه‌های مواصلاتی کرمان، خصوصاً نواحی گرمسیری آن بود. اقتصاد تجاری این منطقه را رونق می‌بخشید. بعد از فروپاشی سلجوقیان کرمان، خلاء طولانی مدت ناشی از حملات غزها، حکام شبانکاره و فارس منجر به کاهش ارزش تجاری شاهراه کرمان و ضربه زدن به اقتصاد تجاری جیرفت شد که در مسیر این راه بود. اما روی کارآمدن حکومت قدرتمند قراختایان در سال ۶۱۹ هجری این مسیر را تبدیل به یک شاهراه مهم تجاری، هم‌زمان با عصر ایلخانان کرد. بنابراین، جیرفت و دیگر شهرهایی که در مسیر این راه بودند، جدا از فروش محصولات خود، درآمد خوبی از دریافت حق عبور کالا به دست می‌آوردند. در عصر آل مظفر اگرچه ثبات سیاسی و اقتصادی عصر قراختایان وجود نداشت، اما این روند کم و بیش تداوم داشت.

۲- جیرفت و تجارت خلیج فارس

خلیج فارس در طول دوره‌های متمادی، نقش حساسی در اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. اگرچه در دوره‌های مختلف، اجناس و اقلامی که از این منطقه دادوستد می‌شد، متفاوت بود، اما هم‌چنان در هر دوره‌ای یکی از نبض‌های اقتصاد جهان بوده است. این شرایط باعث می‌شد که خلیج فارس کانون توجه سردمدارانی از اقصای نقاط باشد. در عین حال، گاه این مسئله به دنبال خود مشکلات و مصائبی را برای این منطقه مهم ایجاد می‌کرد.

منطقه هرمز با برخورداری از امکانات و جغرافیای مناسب یکی از کانون‌های تلاقی خطوط کشتیرانی تجاری و حمل کالا میان اروپا و آسیای شرقی و جنوبی بود. علاوه بر آن مدخل ورود کاروان‌های تجاری از طریق مسیر کرمان به فلات ایران بود (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۱۷). مهاجرت محمد کوبه هرمز و پایه‌گذاری حکومت ملوک هرمز در نیمه دوم قرن پنجم هجری و همین‌طور افول تجارت

سیراف، صحار و جدّه که سه نقطه حساس تجاری بودند، منجر به تجدید قدرت اقتصادی هرمز شد (وثوقی، ۱۳۸۰: ۵۳ و ۸۰). درگیری میان حکام فارس، کرمان و شبانکاره بر سر تصرف جاده‌های منتهی به سیراف منجر به افول سیراف شد. بنابراین، هرمز به تدریج نقش جای‌گزینی خود را به عنوان ساحل بارانداز کرمان ایفا کرد (همان، ۸۶ و ۸۹).

در دوره سلجوقیان کرمان، حکام این سلسله توجه زیادی به رونق تجارت در این منطقه و ایجاد تسهیلات برای کاروانیان و همین‌طور نظارت بر مسیر تجاری هرمز به جیرفت داشتند. چنان‌که قاورد سلجوقی برای تسهیل امر تجارت در حوزه حکومت خویش کاروانسراها و رباط‌هایی بنا کرد و همچنین، کاریزها و چاه‌هایی را به منظور رفاه حال مسافرین حفر نمود. وی برای راهنمایی کاروانیان مناره‌های بلند و ستون‌هایی از سنگ و خشت در فواصل مختلف ساخت. او هم چنین مسیر تجاری هرمز به جیرفت را ترمیم کرد (تیت، ۱۳۶۲: ۶۴ و ۶۵). راهی که از هرمز می‌آمد، پس از طی چهل و پنج فرسنگ به جیرفت می‌رسید. کاروان‌هایی که سیصد تا چهارصد شتر داشتند، از این راه عبور می‌کردند. شترهای کاروانیان، وارد بارانداز این شهر یعنی «قمادین» می‌شدند (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: دوازده). محصولات مهم جیرفت در این زمان شامل رطب، جوز، ترنج و خرما می‌شد (شریف ادیسی، ۱۴۰۹: ۱/۴۳۴).

از آنجا که حملات اولیه مغول تجارت نواحی شمال ایران از خراسان تا آذربایجان را دچار رکود و نابسامانی کرده بود، تمام توجهات به سمت سواحل شمال خلیج فارس که تنها ناحیه ثروتمند و آباد کشور بود و در مقایسه با نواحی شمالی آسیب جدی ندیده بود، جلب شد (خیراندیش (ب)، ۱۳۸۲: ۱۰۵). اطاعت براق حاجب در سال ۶۲۸ هجری از مغولان باعث دسترسی سیاسی آن‌ها به خلیج فارس شد. از طرف دیگر، دولت‌های دریانورد حوزه خلیج فارس مانند ملوک هرمز به دلیل سود اقتصادی مسیر کاروان رو هرمز به کرمان، روابطی دوستانه و گاه در حد اطاعت از قراختیایان کرمان داشتند (همان: ۱۰۵). شکل‌گیری این زنجیره تابع و متبوع دارای محاسنی بود. از جمله اینکه هر کدام از این دولت‌ها سعی در برقراری ثبات و امنیت در این مسیر مهم و راهبردی را برای مدتی هر چند کوتاه

۳۰۴ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

داشتند. این مسیر را باستانی پاریزی این گونه تشریح کرده است: «راه تجاری بزرگ جنوب از طریق هرمز (پیش بندر میناب فعلی) به طرف شمال و به جغین و سپس، جیرفت می آمد و از آنجا به راین، سپس به کرمان (بردسیر) می رسید و بعد به چترود و زرنند و کوبنان می رفت و آنگاه به یزد و اصفهان می پیوست» (باستانی پاریزی، ۲۵۳۵/۱:۲۲۶).

همان طور که مشاهده شد، رونق و آبادانی بندر هرمز از نیمه دوم قرن پنجم هجری، همزمان با سلجوقیان کرمان شروع شد. این شرایط مساعد در طول دوره سلجوقیان کم و بیش وجود داشت. اما بعد از سقوط سلجوقیان و نابسامانی هایی که در کرمان بر اثر حملات حکام شبانکاره، فارس و غزها ایجاد شد، تاثیرات مخرب خود را بر اقتصاد تجاری منطقه کرمان و هرمز گذاشت و همکاری های سیاسی و تجاری ملوک کرمان و هرمز ثبات اولیه خود را از دست داد. مسئله ای که امنیت راه ارتباطی هرمز-کرمان را بیش از پیش با خطر مواجه کرده و حجم مبادلات کالا از طریق این شاهراه را کاهش می داد. اما روی کار آمدن براق حاجب در سال ۶۱۹ هجری منجر به شکل گیری حکومت قراختیایان کرمان و تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با ملوک هرمز شد.

قطب الدین سلطان قراختیایی بعد از اینکه شانزده سال در ماوراءالنهر تحت حمایت محمودیلواج خوارزمی بود، با به حکومت رسیدن منگوقاآن یرلیغ سلطنت کرمان را دریافت کرد (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۱). وی در سال ۶۵۰ هجری وارد کرمان شد و حکومت خود را در سایه کفایت همسرش ترکان خاتون شروع کرد. در زمان حکومت وی شرایط مساعدی بر کرمان حاکم بود (وزیری، ۱۳۴۰: ۱۵۳-۴). بعد از مرگ قطب الدین سلطان، یرلیغ سلطنت کرمان از سوی دربار ایلخانی برای ترکان خاتون صادر شد. در زمان وی تجارت خشکی و آبی کرمان با سایر نواحی داخلی و خارجی ایران، عصر طلایی خود را سپری کرد. ناصرالدین منشی کرمانی در این خصوص می گوید: «در زمان قتلغ ترکان اکثر تجار و متمولان شرق و غرب و غربای امصار بر و بحر توطن و اقامت کرمان را جهت صفای هوا و عذوبت آب و وسعت منزل و خصب عیش و شمول عدل و کمال امن اختیار کردند» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۱).

براساس نوشته‌های منشی کرمانی دوره حکومت نسبتاً طولانی ترکان خاتون بر کرمان یکی از دوره‌های درخشان در تاریخ کرمان بوده است و بنا به دلایلی که منشی کرمانی ذکر کرده، خصوصاً امنیتی که در این دوره در کرمان ایجاد شد، شرایط برای رشد اقتصادی این ایالت و مشخصاً تجارت، هموارتر از قبل شد. در تأیید این ادعا عبدالرسول خیراندیش می‌گوید در نیمه دوم قرن هفتم هجری کرمان، تحت فرمانروایی ترکان خاتون موقعیت خود را به عنوان واسطه تجارت خلیج فارس با نواحی داخلی ایران به نحو مؤثری حفظ کرده بود و در رقابت با سلغریان فارس و ملوک شبانکاره موفقیت‌های قابل توجهی در این زمینه به دست آورده بود (خیراندیش (ب)، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

اگرچه در بحث روابط تجاری خلیج فارس با کرمان و نواحی داخلی ایران، از جیرفت کمتر صحبت شده است، اما از آنجایی که عمده دادوستدی که میان این نواحی صورت می‌گرفت، از طریق شاهراهی بود که از جیرفت می‌گذشت و محله «کمدین» در جیرفت بارانداز اصلی کاروان‌ها بود، توجه به عمران و آبادانی جیرفت و ایجاد امنیت در این شهر و مسیرهای مواصلاتی آن از مهم‌ترین مسایلی بود که می‌بایست مورد توجه حکام کرمان قرار می‌گرفت. روی کار آمدن بهاء‌الدین ایاز در هرمز، سرآغاز دوره جدیدی در روابط کرمان با حکام هرمز بود. بدین معنی که با انتقال پایتخت ملوک هرمز به جزیره جرون و شکل‌گیری هرمز جدید و همین‌طور به دلیل تحولاتی که در کرمان به وجود آمد، ملوک کرمان دخالت مستقیم خود در امور هرمز را از دست دادند.

نیمه اول قرن هشتم هجری سال‌های درگیری میان امرای آل مظفر و آل اینجو در نواحی کرمان، فارس و یزد بود. این مسئله امکان مداخله مستقیم در امور هرمز را از آن‌ها سلب می‌کرد. این وضع، فرصت مناسبی برای ملوک هرمز فراهم کرد تا ضمن سروسامان دادن به امور داخلی خود، تجارت زیادی را از سرزمین‌های دیگر به سوی خود جذب کنند. چنان که تجارت تحت سیطره امرای آل مظفر و آل اینجو نیز این فرصت را مغتنم شمرده و سعی کردند سرمایه‌های خود را در امور تجاری حوزه هرمز به کار گیرند (وثوقی، ۱۳۸۰: ۲۶۴). عدم مداخله مستقیم ملوک کرمان در جزیره جرون تا پایان قرن هشتم هجری و قبل از حملات تیمور به ایران ادامه داشت.

۳۰۶ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

عبدالرزاق کرمانی وضعیت این جزیره را در اواخر قرن هشتم هجری چنین بیان کرده است: «از مواضع مشهورش [کرمان] جرون بوده که جزیره‌ای است معمور و در بحر و برعالم مشهور، هر چند مدتی مدید است که از حیطة امر ونهی حکام آن جدا شده» (عبدالرزاق کرمانی، ۱۳۳۵: ۵۰).

موقعیت سوق الجیشی مهم‌تر جزیره جرون امکان رقابت بیشتر با سایر جزایر خلیج فارس و تسلط بر راه‌های دریایی را فراهم می‌ساخت. بنابراین، ملوک هرمز بابت برداری از این شرایط می‌توانستند با در اختیار داشتن لنگرگاه‌های مناسب روابط بازرگانی وسیع‌تری را با هندوستان برقرار کنند و امکان کنترل بیشتر عبور و مرور کشتی‌ها را در تنگه هرمز به دست آورند (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۱۸؛ وثوقی ۱۳۸۴: ۱۵۳).

باشکل گیری هرمز جدید اگرچه نفوذ سیاسی ملوک کرمان در این منطقه کاهش یافت، اما روابط تجاری میان هرمز و دیگر جزایر خلیج فارس با کرمان و سایر نقاط ایران هم‌چنان وجود داشت. احمد اقتداری در این خصوص می‌گوید: «از همان سیراف و کیش و هرمز مروارید دریای پارس به فیروزآباد و شیراز و دارابگرد و اصفهان وری و همدان و خوزستان و خراسان و آذربایجان و به کرمان و بلخ و قندهار و هرات و سند و چین و بصره و بغداد و بیروت و دیاربکر و تراکیه و ارمنستان این «درخوشاب» دریای پارس رهسپار [رهسپار] بوده است» (اقتداری، ۱۳۶۲: ۱۶۹/۱).

۳- تجارت جیرفت در مسیر خراسان و سیستان

جیرفت در زمان سلجوقیان کرمان یکی از شهرهای معمور و مشهور کرمان بود. این شهر اگرچه در معرض ناامنی ناشی از حملات اقوام مختلف بود، در طی سده‌های پنجم و ششم هجری در مجموعه قلمرو سلجوقیان جایگاه تجاری و سیاسی ویژه‌ای داشت. جیرفت در ردیف بردسیر یکی از پایتخت‌های دوگانه مملکت کرمان بود. مسکن عمده تجار خارجی نیز قمادین در جیرفت بود (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۹۹). ملوک کرمان در ماه آذر از بردسیر به جیرفت نقل مکان می‌کردند و به مدت پنج ماه در این پایتخت زمستانی خود به سر می‌بردند (محمدبن ابراهیم،

۱۳۴۳:۴۶). در شهرهای مختلف کرمان تجاری از عراق و بلاد خراسان سکونت داشته و به کسب و تجارت می‌پرداختند (افضل کرمانی، ۱۳۶:۲۵۳۶). چنان که عده‌ای از تجار خراسانی و سیستانی در جیرفت ساکن بودند و از تجارت در این منطقه سود می‌بردند (شریف ادیسی، ۱۴۰۹:۱/۴۳۴).

ایلخانان مغول برای تثبیت موقعیت خود نیازمند تقویت توان اقتصادی و سیاسی خود در داخل و خارج از ایران بودند. عبور دوشاهراه ادویه و ابریشم از ایران شرایط مساعدی را برای مشارکت ایران در تجارت جهانی فراهم می‌کرد. بنابراین، حکام ایلخانی سعی در برقراری امنیت در این دو شاهراه و شعب آنها داشتند. از آنجا که حاکمان امپراتوری مغول دارای مناسباتی در عرصه‌های مختلف بودند، این مسئله باعث ایجاد روابط آزادانه‌تر ایران با نواحی شرقی می‌شد. این عوامل شرایط مساعدی را برای رشد قابل ملاحظه تجارت ایران فراهم می‌کرد (رضوی، ۱۳۸۴:۲/۳۲۸-۲۹). راه اصلی ارتباطی کرمان به خراسان از طریق راور، دربند، دهوک، طبس، گناباد، زاوه (تربت حیدریه) و ترشیز به نیشابور می‌رسید. یک شاخه از این راه از دربند به سوی بیرجند و از آنجا به گناباد می‌رفت. شاخه دیگر از این راه در غرب به سبزوار می‌رسید. راه مهم دیگر از طریق خبیص (شهداد امروزی) به بیرجند می‌آمد و از آنجا به گناباد می‌رفت و پس از پیمودن قائن و گناباد به تربت حیدریه و نیشابور می‌پیوست (باستانی پاریزی (ب)، ۱۳۶۳:۲۳).

یکی از شاهراه‌هایی که از بغداد به ماوراءالنهر منتهی می‌شد، با عبور از فارس وارد بردسیر می‌شد و از آنجا به خراسان می‌رفت (خسروی، ۱۳۷۴:۲/۱۰۹). علاوه بر راه‌هایی که از سه شهر راور، خبیص و بردسیر می‌گذشت و کرمان را به شهرهای مختلف خراسان متصل می‌کرد، راه دیگری از سیرجان به ماهان، خبیص و خراسان می‌رفت (Lambton, 1980: V/151). جیرفت قدیم که امروزه اثری از آن نیست و خرابه‌های آن به عنوان تل «دقیانوس» معروف است، حکم یک پسابندر را داشت. مردم زیادی از نقاط مختلف در آن تجارت خانه داشتند. این شهر از طریق گردنه دهبکری به بم، کرمان، شهداد و خراسان متصل می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۸؛ صفا، ۱۳۷۴:۲/۱۴۱). جیرفت در این زمان صادرات گسترده‌ای از طریق راه‌های مواصلاتی به خراسان داشت (Lambton, 1980: V/151).

جیرفت همچنين، از طريق شاهراهی که از هرمز می‌آمد، محصولاتى مانند حنا، نیل، زیره، خرما، نیشکر و عطر گل سرخ و نرگس رابه سایر نقاط صادر می‌کرد. قراردادستن جیرفت در مسیر راه‌های ارتباطی ادویه و ابریشم و از طرف دیگر، رونق کشاورزی در آن به دلیل برخورداری از آب هلیل رود باعث برخورداری این شهر از شرایط ایده‌آل اقتصادی می‌شد. این مسئله اعتبار سیاسی و توجه حاکمان را به دنبال داشت (صفا، [۱۳۷۲]: ۳۹ و ۸۷). از آنجا که قسمت اعظم قلمرو شرق ایران را خراسان تشکیل می‌داد، تجارت شهرهای مختلف کرمان با این منطقه نقش مهمی در پویایی اقتصاد دو منطقه داشت. با توجه به ارتباط وسیع خراسان با حوزه ماوراءالنهر، کرمان می‌توانست از طریق آن رابطه اقتصادی‌ای هر چند محدود با آن منطقه نیز برقرار سازد.

کاروان‌های تجاری که از سند می‌آمدند، پس از عبور از لاهور، منصوره، قصدار و بمپور وارد بم می‌شدند. هم‌چنین، از قرن هفتم به بعد کاروان‌هایی که از بندر تیس واقع در مکران به سمت کرمان می‌آمدند، باعث پیوند بیشتر کرمان با سیستان و شرق ایران می‌شدند. نواحی گرمسیری کرمان و مشخصاً شهر بم به دلیل نزدیکی به سیستان دارای اقتصادی وابسته به آنجا بودند. شهر جیرفت نیز که جزو نواحی جروم «گرمسیر» کرمان بود، از طریق آمجز و جشاربه سیستان وصل می‌شد (خیراندیش (آ)، ۱۳۸۲: ۴؛ صفا، ۱۳۷۴: ۲/۱۴۱). راه تجاری که از جنوب بمپور به سمت بندر تیز می‌رفت، از شهرهای جنوبی کرمان مانند جیرفت، نرماشیر و بم عبور می‌کرد. این راه محل عبور کاروان‌های خراسان، سیستان و قهستان به سمت این بندر بود (گروسی، ۱۳۷۴: ۴۵). شهر بم به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده‌های ارتباطی سیستان و بلوچستان و افغانستان از دیر باز دارای اهمیت اقتصادی و نظامی بوده است. بنابراین، عمده اطلاعاتی که در مورد رابطه تجاری کرمان با سیستان در دست است، در مورد شهر بم می‌باشد. اما لزوماً تجارت کرمان با سیستان منحصر به این شهر نبود. تمامی بخش‌های ایالت کرمان خصوصاً نواحی جروم (گرمسیر) کرمان با این ایالت مرزی ایران مبادلات تجاری داشتند، اما شهر بم به دلیل نزدیکی با سیستان نقش پررنگ‌تری داشت.

۴- تجارت جیرفت در مسیر فارس، اصفهان و غرب ایران

یکی از مناطق مهم در تجارت ایران در دوره ایلخانان ایالت فارس بود. اهمیت بازرگانی این منطقه در حدی بود که بر تجارت کرمان سایه انداخته و آن را تحت الشعاع قرار داده بود. یکی از مناطقی که می توانست شریک تجاری مهمی برای فارس باشد، ایالت کرمان بود. خصوصاً در زمان آل مظفر که از نظر سیاسی روابط نزدیک تری میان این دو منطقه وجود داشت.

از شهرهای سیرجان، شهربابک و کرمان راه های ارتباطی به شیراز وجود داشت. این راه ها کوتاه بودند. طولانی ترین آن ها راه کرمان به شیراز بود که صدویک فرسنگ طول داشت (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۱۸۸). دوره میان سقوط سلجوقیان تا روی کار آمدن قراختیایان برای کرمان دوره متشنج و نابسامانی بود. اما روی کار آمدن براق حاجب قراختیایی پایان بخش این نابسامانی بود. از طرف دیگر، کرمان جزو ایالت هایی بود که از حمله مغول آسیب چندانی ندید. بنابراین، مجموع این شرایط باعث آبادانی کرمان در عصر قراختیایان شد. خصوصاً دوره ترکان خاتون اوج این رونق بود. به اذعان مجدخوافی آوازه سلطنت وی از روم تا کشمیر زبانزد بود (خوافی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). در این زمان محصولات زیادی از کرمان به نقاط دیگر صادر می شد. کرمان معدن توتیا بود و هم چنین، پنبه فراوانی در این شهر کاشته می شد. شهر جیرفت و سیرجان از شهرهای بزرگ و معمور کرمان بودند. جیرفت دارای نخلستان و میوه فراوان بود (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۰۳ و ۲۳۶).

نواحی غرب و شمال غرب ایران در دوره مغول کانون توجه بازرگانانی از اقصی نقاط بود. این مسئله معلول عوامل مختلفی بود که یک مورد آن رونق راه تجاری ابریشم و شعب آن بود. به گفته شیرین بیانی راه ابریشم در این دوره پر رفت و آمد تر از قبل شده بود. ایران که در کانون این داد و ستدها قرار داشت، بیشترین بهره اقتصادی را می برد (بیانی، ۱۳۸۳: ۱۰). این شاهراه از چین آغاز می شد و از سین کیانگ و کاشغر و اترار می گذشت. در ادامه شهرهای سمرقند، بخارا، مرو، طوس، دامغان، گرگان وری نقاط اصلی این راه بودند. شاخه های فرعی دیگری وجود داشتند که ضمن پیوستن به این راه وارد فلات ایران می شدند. مانند راهی که از هندوستان شروع می شد و بعد از گذشتن از پیشاور، خیبر، کابل و قندهار وارد

۳۱۰ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

هرات و طوس می‌شد. راه دیگری از طیس شروع می‌شد و به قصدار و سیستان و هرات و طوس ختم می‌شد. سومین راه که اهمیت زیادی داشت، از هرمز شروع می‌شد و در ادامه مسیر خود از جیرفت، کوهبنان و یزد گذشته وارد اصفهان وری می‌شد (باستانی پاریزی (آ)، ۱۳۶۳: ۲۰۱-۲۰۲). راه سوم ایالت کرمان را از طریق یزد و کاشان به تبریز متصل می‌کرد و در شهر کاشان به راهی که از سیراف می‌آمد، متصل می‌شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶: ۱/۵۷۰).

ایالت‌های غرب و شمال غرب ایران در تجارت این زمان نقش برجسته‌ای داشتند. بالاخص شهر تبریز که کانون تجارت و بارانداز کاروان‌هایی بود که از نقاط مختلف و از طریق راه‌های خشکی و آبی به این منطقه می‌آمدند. اگرچه در خصوص ارتباط مستقیم تجاری کرمان با این منطقه اطلاعات مبسوطی در دست نیست، اما راهی که این دو منطقه را به هم وصل می‌کرد، اهمیت بسزایی داشت و محل آمد و شد کاروان‌ها از اقصی نقاط بود. جیرفت و دیگر شهرهای کرمان که در مسیر این راه قرار داشتند، جدا از فروش کالاهای خود، سود زیادی را از دریافت حق عبور کالا به دست می‌آوردند.

در دوره پس از قتل پادشاه خاتون اوضاع کرمان دچار رکود و نابسامانی شد. ناکارآمدی پادشاهان این دوره زمینه دخالت بیش از پیش ایلخان مغول را فراهم می‌کرد. نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در دوره اعمال نفوذ نواب مغول تشدید شد. چنان که به گفته عبدالرزاق سمرقندی هنگام نبرد امیر مبارزالدین مظفری باملک قطب الدین، آخرین حکمران قراختایی کرمان اکثر راه‌ها بسته شده بود و تردد تجار برافتاده بود (سمرقندی، ۱۳۵۳: ۱۶۹).

حاکمان مظفری علی‌رغم اقدامات عمرانی که در شهرهای قلمرو خود انجام دادند، جنگ داخلی میان خاندان آنها که نزدیک به بیست سال ادامه داشت، توان اقتصادی ایالت‌های تحت حاکمیت آنها را به تحلیل می‌برد و باعث رکود کشاورزی و نکث محصولات و تعطیلی کارهای عمرانی می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۹۴-۹۵). با این همه، کرمان دروازه عراق محسوب می‌شد. بسم و جیرفت محل عبور کاروان‌هایی بودند که کالاهای نفیس هندوستان را به داخل ایران و

سپس اروپا می‌رسانند. این کاروان‌ها با توجه به مقصد آنها در طول تاریخ ایران به «کاروان‌های عراقی» مشهور هستند (خیراندیش (آ)، ۱۳۸۲: ۳-۴).

۵- تأثیر حملات اقوام و حاکمان مختلف بر تجارت کرمان و جیرفت

شهر جیرفت که جزو نواحی گرمسیری کرمان بود، به دلیل موقعیت راهبردی خود و قرار گرفتن بر سر راه هرمز به کرمان و همچنین، رونق کشاورزی به دلیل برخورداری از آب رودخانه هلیل رود، اهمیت اقتصادی زیادی داشت. اما قرار گرفتن کوه‌های جبالبارز در اطراف این شهر فرصت مناسبی را برای استقرار اقوام مختلف فراهم کرده بود. بنابراین، کاروانیان در مسیرهای مواصلاتی به این منطقه در معرض حملات این اقوام بودند.

قاورد سلجوقی عم ملک‌شاه در سال ۴۴۰ هجری با شکست آخرین امیر دیلمی، بهرام بن لشکرستان بر کرمان استیلا یافت. از جمله اقدامات ابتدایی و مهم وی سرکوبی قفص‌ها بود. با توجه به اینکه اکثر درآمد کرمان از نواحی گرمسیری آن بود، قسمت اعظم این منطقه در دست قفص‌ها بود که بعد از ضعف دیالمه دوباره گردن استیلا برافراشته و تمام منطقه را تا حوزه خلیج فارس در دست گرفته بودند و دامنه نفوذ آنها تا حدود فارس و خراسان می‌رسید (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۵). قفص‌ها که بیشتر حوزه تاراج آن‌ها در مسیر بیابان کرمان، فارس و خراسان بود، رخت و قماش دزدیده شده را به منطقه خود یعنی حوزه «کرکس کوه» و «سیاه کوه» می‌بردند (بکران، ۱۳۴۲: ۶۳).

اتحاد و یکپارچگی کرمان با مرگ طغرل‌شاه سلجوقی از میان رفت، زیرا فرزندان وی ملک ارسلان، بهرام شاه و توران‌شاه بایکدیگر به نزاع پرداختند. بهرام-شاه برای غلبه بر برادرش ملک ارسلان از خراسان لشکری آورد و به جیرفت تاخت و شروع به نهب و غارت در جیرفت خصوصاً محله قمادین کرد (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۷۷). درگیری میان خاندان طغرل‌شاه پس از مرگ بهرام‌شاه نیز خاتمه نیافت. چون ملک ارسلان و ایبک دراز به تاخت و تاز در شهرهای مختلف کرمان مشغول شدند. این بار با حمله ایبک باز هم قمادین جیرفت که مخزن نفایس چین، خطا، هندوستان، حبشه، روم، مصر و آذربایجان بود، مورد دستبرد و غارت قرار گرفت

۳۱۲ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

(افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۹). درگیری‌های متوالی میان خاندان طغرل‌شاه باعث ضعف مرکزیت سیاسی کرمان می‌شد و به توان اقتصادی این ایالت نیز ضربه می‌زد. در سال ۵۷۴ هجری غزها به کرمان حمله برده و نواحی جروم و سرود (گرمسیر و سردسیر) آن را تصرف کردند. بعد از نابسامانی‌هایی که حدود هفت سال در جیرفت، بردسیر، سیرجان و سایر شهرهای کرمان انجام دادند که البته به اعتقاد مورخ کرمانی این دوره، یعنی افضل کرمانی، این خلل ناشی از ضعف ملوک کرمان بود. او اضافه می‌کند که مجاهدالدین کوهبنانی سه نوبت پیک خویش را به حدود گرگان نزد ملک دینار، فرمانده غزها فرستاد که هشت سال بود، لشکر وی در آن مکان استقرار یافته بود. سرانجام، در ماه رمضان سال ۵۸۱ هجری خبر به کوهبنان رسید که عمادالدین ملک دینار به کرمان رسیده است (افضل - کرمانی، ۲۵۳۶: ۷۵ و ۷۶).

کرمان دارای شرایط آب و هوایی گرم و خشک و اقلیمی نامناسب بود. جز در حدود جیرفت و هلیل رود سرزمین‌هایی که بتواند حاصل فراوان دهد وجود نداشت. در واقع، جیرفت انبار غله کرمان بود، اما به علت نابسامانی‌های ناشی از حمله غزها، محصولات این منطقه دچار خسارت شده و همین طور راه‌ها بسته شده بود. بنابراین گندمی از کرمان، خراسان و سیستان به مردم این منطقه نمی‌رسید (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: بیست و یک).

بعد از هجوم غزها، شهرهای مختلف کرمان به تصرف گروه‌های مختلف درآمد. چنان که جیرفت و بزم به تصرف ملوک ایگ در آمدونرماشیر در دست غزها بود. خبیص و دیگر مناطق سرحدی خراسان در دست گماشتگان سلطان محمد خوارزمشاه بود. این وضع تا سال ۶۰۹ هجری که ملک زوزن بر کرمان استیلا یافت، ادامه داشت. ملک زوزن گماشتگان قطب‌الدین مبارز شبانکاره را از جیرفت بیرون کرد (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۸: ۴۲/۳ و ۴۵). این مسایل پیامدهای ناگواری برای اقتصاد شهرهای مختلف کرمان داشت. از جمله اینکه مسیر قافله‌ها و کاروان‌ها از مسیر هرمز به جیرفت و کرمان قطع شد و بازرگانان ترجیح دادند که کاروان‌های خود را از راه‌های امن‌تر عبور دهند. بنابراین، سهمیه اقتصادی کرمان عاید جزایر

قشم و بنادر کیش و سیراف شد و درآمد ناشی از تجارت به تجار لاری، شیرازی و اتابکان فارس و ملوک ایگ رسید (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: سیزده).
نابسامانی‌های اواخر حکومت سلجوقیان و بعد از آن حملات غزها، شبانکاره و اتابکان فارس، منطقه کرمان را حدود نیم قرن گرفتار آشوب‌های سیاسی و اقتصادی کرد. آنچه طبق منابع این دوره مشخص است، مناطق گرمسیری کرمان که منبع تولید محصولات تجاری کرمان بودند، بیشتر مورد توجه مهاجمان بودند. چنان‌که غزها نرماشیر را تصاحب کرده و شبانکاره بر جیرفت مسلط شده بودند. اما روی کار آمدن براق حاجب در سال ۶۱۹ هجری پایان بخش این نابسامانی‌ها بود. اگرچه کرمان عصر قراختایی دارای ثبات سیاسی و اقتصادی بود اما از حمله اقوام مختلف در امان نماند.

در زمان حکومت قطب‌الدیناوالدین ابوالفتح محمد بن خمیتبور نخست، سپاهی به دستور اتابک ابوبکر، حاکم فارس به جیرفت هجوم بردند و شروع به نهب و غارت این منطقه کردند. در میان آن‌ها عده‌ای از امرای جلال‌الدین خوارزمشاه که از دست لشکریان مغول به فارس پناه برده بودند، نیز حاضر بودند. اما قطب‌الدین توانست آن‌ها را شکست داده و فراری دهد (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۷).

در زمان حکومت ترکان خاتون عده زیادی از نکودریان از راه دهبکری (یکی از مناطق مواصلاتی میان بزم و جیرفت) به جیرفت حمله کرده و صدمات زیادی را به این منطقه وارد کردند. سپس به سوی هرمز تاختند و اموال تجار را غارت کرده و زن و فرزند مسلمانان را به اسارت گرفتند. دامنه حملات آن‌ها به نواحی گرمسیری فارس هم کشیده شد و در جنگی سپاه فارس را شکست دادند. در این تاخت و تازها مقدار زیادی کالا و امتعه را به دست آوردند و سپس، روی به رودبار جیرفت آوردند و در آنجا جمع شدند (تاریخ شاهی قراختیایان، ۲۰۵: ۲۵۳۵-۲۰۸).

از آن پس تاخت و تاز نکودریان به گرمسیر کرمان نه تنها به دغدغه‌ای برای حکام کرمان تبدیل شد، بلکه مورد توجه ایلخانان مغول نیز قرار گرفت. چنان‌که در سال ۶۶۵ هجری هنگامی که شایع شده بود لشکر کرمان در جنگ با نکودریان

۳۱۴ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

تساهل به خرج دادند، از سوی اردوی ایلخانی، امیری به نام ساربان آغا مأمور رسیدگی به این موضوع شد (همان: ۲۸۱). در سال ۶۷۴ هجری نکودریان به نواحی جیرفت و هرمز حمله کردند و شترهای کاروانیان عراق و آذربایجان را که به این منطقه آمده بودند، غارت کردند و مهتران آنها را هلاک کردند و زنان و فرزندان آنها را به اسارت گرفتند. آنها چهارپایانی را که در صحرا یافتند، با خود بردند. مظفرالدین حجاج سلطان بعد از شنیدن این خبر به سوی جیرفت تاخت، اما نکودریان به سیستان گریختند (همان: ۲۳۹-۴۰). در زمستان سال ۶۷۵ هجری نکودریان به ولایت کرمان حمله کردند. سلطان مظفرالدین حجاج سلطان که در جیرفت بود، با جمعی از لشکریان ترک به مقابله با آنها رفت و موفق شد در جنگی آنها را شکست داده و سرکرده آنها مبارک شاه نکودری را بکشد (همان: ۲۴۸).

اگرچه در دوره ترکان خاتون امنیت و آسایش تاحدی زیادی در کرمان برقرار شد، اما این به معنای پایان حملات و آشوبها در شهرهای مختلف کرمان نبود. همان طور که مشاهده شد، ایالت کرمان خصوصاً نواحی گرمسیری آن در معرض حملات مداوم نکودریان قرار داشت. از آنجایی که اکثر درآمد کرمان از شاهراه هرمز به کرمان به دست می آمد، این حملات می توانست تأثیراتی هرچند مقطعی بر تجارت این حوزه داشته باشد.

جلال الدین سیورگتمش بعد از اینکه با کردوجین خاتون ازدواج کرد و از اردو بازگشت، یک عده از چریک مغول جرمان و اوغان را برای دفاع از سرحدات کرمان درخواست کرد؛ اما کرمان از فتنه گری آنها در امان نماند تا اینکه به دست امیر تیمور گورکانی سرکوب شدند (یزدی، ن.خ شماره ۱۱۳۳۰: ۵۴۵۱). در زمان پادشاه خاتون تجارت کرمان شرایط مساعدی داشت؛ چنان که ناصرالدین منشی کرمانی می گوید: «...به سبب آنکه کرمان را مسقط رأس و مصعد انفس می دانست و نیز می خواست تا به مکافات و انتقام سیورگتمش سلطان قیام نماید، راه کرمان را شاهراه جهان ساخت» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۷۱). اما هنگامی که موقعیت گیخاتو با شورش باید و علیه او متزلزل شد، پادشاه خاتون هم در کرمان در محاصره کردوجین قرار گرفت که به خونخواهی همسرش، جلال الدین سیورگتمش قیام

کرده بود. در این ماجرا لشکراوغان و جرمان نیز به کرد و جین پیوسته بودند (وزیری، ۱۳۴۰: ۱۶۸).

بعد از قتل پادشاه خاتون به دستور شاه عالم، دختر سیورغتمش و همسر بایندو حکومت کرمان به مظفرالدین محمد شاه رسید. اما حکومت او بر کرمان دوام نیاورد. چون بادسیسه‌های تیمور بوقا مواجه و از حکومت کرمان عزل شد. بعد از وی حکومت کرمان به قطب‌الدین شاه جهان رسید. اما تیمور بوقا که امیر هزاره بود با شاه جهان دچار اختلاف شدند و به جنگ پرداختند. نهایتاً غازان خان شاه جهان را عزل کرد و مظفرالدین محمد شاه را برای بار دوم به حکومت کرمان گماشت. وقتی که او به کرمان رسید، عده زیادی از لشکر قراوناس به گرمسیرات کرمان هجوم برده و آنجا را غارت کرده بودند. بنابراین، سلطان مجبور شد برای سرکوبی آنها روانه جنوب کرمان شود (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳/۸۸-۹۴؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۸۹). ناکارآمدی شاهان قراختایی در اواخر عمر این سلسله به همراه اختلافات داخلی در میان آنها باعث ضعف مرکزیت سیاسی کرمان و حمله اقوام مختلف می‌شد. بنابراین، کرمان بیشترین ضربه را از نابسامانی اوضاع خود می‌خورد تا قدرت اقوام مهاجم.

عدم ثبات سیاسی و فقدان حکومت مرکزی بعد از سقوط ایلخانان باعث قدرت‌گیری طوایف مختلف در سراسر ایران شد. آل مظفر با در دست داشتن ایالت‌های مهم جنوب ایران، تا روی کار آمدن تیمور حکومت بلامنازع خود را حفظ کرده و نقش مهمی در معادلات سیاسی و اقتصادی ایران ایفا کردند.

طایفه اوغان و جرمان که به درخواست جلال‌الدین سیورغتمش از سوی ارغون‌خان برای حمایت از وی فرستاده شده بودند، در طول دوره قراختایی و بعد آل مظفر همواره برای حاکمان در دسترساز بودند. اما سلطان شاه جهان قراختایی با آنها وصلت کرد و در زمان امیر مبارزالدین مظفری نیز آنها با فرزندش شاه شجاع پیوند سببی برقرار کردند. اما هر چند گاه اظهار عصیان می‌کردند (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۰). چنان‌که در یک نوبت جمعی از اوغانیان در حدود جیرفت و رودبار سرکشی کردند. امیر مبارزالدین با لشکری برای سرکوبی آنها عازم جیرفت شد. اما اوغانیان از شاه شیخ ابواسحاق کمک خواستند. علی‌رغم اینکه حاکم فارس،

۳۱۶ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

امیرسیف الملوک و مولانا شمس الدین صاین قاضی را به همراه لشکری به کمک آن‌ها فرستاد، اما در برابر امیر مبارزالدین کاری از پیش نبردند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۳۱۶).

عصیان اوغانیان در سال ۷۵۷ هجری در گرسیرات کرمان ادامه یافت. شاه شجاع به فرمان پدر برای سرکوبی آن‌ها عازم جیرفت شد. امرا و لشکریان اوغانی به کوه‌ها پناه بردند و در آنجا متحصن شدند و از شاه شجاع درخواست بخشش کردند. نهایتاً شاه شجاع درخواست آن‌ها را پذیرفت و عازم کرمان شد (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۰). در یک نوبت دیگر اوغانیان در جیرفت به تاخت و تاز پرداخته و علیه امیر مبارزالدین مظفری طغیان کردند. امیر با عده کمی برای سرکوبی آن‌ها رفت. اما در جنگ با آن‌ها زخم برداشت و نزدیک بود گرفتار شود، پهلوان تاج‌الدین بمی اسب خود را به وی داد و امیر بدین وسیله نجات یافت. پهلوان تاج‌الدین بمی به همراه سیصد نفر دیگر در جنگ با آن‌ها کشته شدند (ستوده، ۱۳۴۶: ۸۸/۱).

شاه شیخ ابواسحاق اینجو که با امیر مبارزالدین مظفری نزاع داشت، سعی می‌کرد از اوغانیان و جرمائیان علیه وی استفاده کند. چنان که سلطان شاه جاندار را مأمور کرد خراج مکران و هرمز را دریافت کند و از آنجا عازم تصرف مناطق گرمسیری کرمان شود. سلطان شاه وقتی به آنجا رسید، شاه شیخ ابواسحاق نامه‌ای به او فرستاد و اعلام کرد که برای مقابله با امیر مبارزالدین لشکری را به کمک او می‌فرستد و توصیه کرد از اوغانیان و جرمائیان برای مقابله با او کمک گیرد. اما سلطان شاه قضیه را به امیر مبارزالدین اطلاع داد (معین‌الدین یزدی، ۱۳۲۶: ۲۰۲/۱).

در آغاز سلطنت شاه شجاع قبایل اوغان و جرمان در کرمان عصیان کردند. شاه شجاع برای سرکوبی آن‌ها عازم جیرفت شد. شورشیان در قلعه منوجان (واقع در بلوک رودبار) متحصن شدند. نهایتاً شاه شجاع در جنگی طولانی آن‌ها را شکست داد و حکومت کرمان را به سلطان احمد داد و خود به شیراز بازگشت (ستوده، ۱۳۴۶: ۱۳۶/۱). در این زمان آل مظفر در درگیری‌های داخلی خود از اوغانیان و جرمائیان استفاده می‌کردند. چنان که شاه شجاع بعد از اینکه در سال ۷۶۵ هجری در جنگ بابرادرش شاه محمود شکست خورد و مجبور به ترک شیراز شد، برای باز پس‌گیری شیراز از امیر سیورغتمش اوغانی کمک گرفت (همان: ۱۵۰).

در زمان حکومت آل مظفر طایفه اوغانی و جرمایی بیشترین خطر را برای امنیت نواحی جنوب کرمان، خصوصاً جیرفت داشتند. در درگیری‌های درون خاندانی آل مظفر و هم‌چنین، درگیری‌های آل مظفر و آل اینجو طرفین سعی می‌کردند از نیروی آن‌ها به نفع خود استفاده کنند. حملات اقوام مختلف به گرمسیرات کرمان به همراه اختلافات درونی آل مظفر و نابسامانی‌هایی که در حوزه جنوب شرق ایران وجود داشت، از جمله عوامل بازدارنده در رشد تجارت به عنوان بخش مهمی از اقتصاد منطقه‌ای بود.

۶- نتیجه‌گیری

شهر جیرفت به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب خود تبدیل به یکی از کانون‌های مهم تجاری در حوزه جنوب شرق ایران شده بود. تازمانی که ملوک قدیم هرمز بر سرکار بودند و بندر هرمز جایگاه تجاری مهمی داشت، مسیر هرمز به کرمان نیز محل آمدو شد کاروان‌های زیادی بود. بنابراین، شهرهای مختلف کرمان که بر سر این راه قرار داشتند، در آمد قابل توجهی از تجارت به دست می‌آوردند. اما انتقال پایتخت ملوک هرمز به جزیره جرون منجر به کاهش اهمیت تجاری بندر هرمز و متعاقباً نواحی پس کرانه‌ای خلیج فارس و مشخصاً کرمان شد.

تا زمانی که ملوک کرمان در حوزه خلیج فارس دارای نقش تعیین‌کننده سیاسی و اقتصادی بودند و با ملوک هرمز در این زمینه همکاری داشتند، تجارت خلیج فارس و همین‌طور شهرهای کرمان خصوصاً نواحی گرمسیری، علی‌رغم حمله اقوام مختلف رونق زیادی داشت. اما هرگاه نابسامانی‌های سیاسی در منطقه کرمان حکمفرما می‌شد، حمله اقوام مختلف و حکام فارس و شبانکاره تشدید می‌شد و تأثیرات مخربی را بر تجارت این منطقه می‌گذاشت.

شهرهای کرمان از طریق راه‌های مختلف مواصلاتی به ایالت‌های مجاور خود اعم از فارس، سیستان، خراسان و اصفهان متصل می‌شدند. هر کدام از این شهرها بسته به موقعیت جغرافیایی خود، ارتباط تجاری وسیع‌تری با ایالت‌های مذکور داشتند. به عنوان نمونه، جیرفت با هرمز مبادلات تجاری گسترده‌تری داشت و منبع تولید محصولات مانند نیل، زیره و خرما بود.

کتابنامه

۱. افضل کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد، (۱۳۲۶)، **تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی - وقایع کرمان**، فرآورده مهدی بیانی، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
۲. _____، (چاپ دوم ۲۵۳۶)، **عقد العلی للموقف الاعلی**، تصحیح علی محمد عامری نائینی، مقدمه از باستانی پاریزی، روزبهان: تهران.
۳. اقبال آشتیانی، عباس، (چاپ اول ۱۳۷۶)، **تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری**، جلد اول و دوم، نامک: تهران.
۴. اقتداری، احمد، (۱۳۶۳)، **«راه مروارید»** راه و بار، جلد اول - دفتر دوم، شرکت تحقیق و انتشار مسائل حمل و نقل ایران، ۱۶۳-۱۶۹.
۵. بارتولد، و. (چاپ اول ۱۳۰۸)، **تذکره جغرافیای تاریخی ایران**، ترجمه حمزه - سردادور (طالب زاده)، چاپخانه اتحادیه: تهران.
۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۲۵۳۵)، **وادی هفت واد بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان**، جلد اول، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
۷. _____، (۱۳۸۲)، **«درسوگ ارگ بم»**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۷۵ - ۷۶، سال هفتم، شماره ۳-۴-۶-۱۷.
۸. _____، (چاپ دوم آ)، **«اژدهای هفت سر»**، اژدهای هفت سر، دنیای کتاب: تهران، ۲۰۰-۴۴۲.
۹. _____، (ب)، **«حرف آخر»**، هشت الهفت، انتشارات نوین، ۱۷-۵۲.
۱۰. بکران، محمد بن نجیب، (۱۳۴۲)، **جهان نامه**، بکوشش محمد امین ریاحی، انتشارات کتابخانه ابن سینا: تهران.
۱۱. بیانی، شیرین، (۱۳۸۳)، **«دنیای مغول در تاریخ»**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۸۳ - ۸۱، سال هفتم، شماره ۱۱-۱۰-۹-۸-۱۴.
۱۲. **تاریخ شاهی قراختایان**، (۲۵۳۵)، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، بنیاد فرهنگ ایران: تهران.
۱۳. تیت، جی. پی، (چاپ اول ۱۳۶۲)، **سیستان**، به کوشش غلامعلی رئیس الذاکرین، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان.
۱۴. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی، (چاپ اول ۱۳۷۸)، **جغرافیای حافظ - ابرو**، تصحیح صادق سجادی، جلد سوم، مرکز نشر میراث مکتوب: تهران.
۱۵. حافظ نیا، محمدرضا، (چاپ چهارم ۱۳۸۴)، **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز**، ویراستار غلامحسین غلام حسین زاده، سمت: تهران.

۱۶. خسروی، خسرو، (۱۳۷۴)، «چندشهر گمشده ساسانی - اسلامی در کرمان»، مجموعه مقالات دومین سمینار ودهه کرمان‌شناسی، کرمان، ۱۰۹-۱۱۵.
۱۷. خوافی، مجد، (چاپ دوم ۱۳۸۲)، *روضه‌خلد*، بکوشش حسین خدیو جم، دانشگاه تهران.
۱۸. خیراندیش، عبدالرسول، (آ)، «ارگ‌بیم، یادگاری از تاریخ کهنسال بزم»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۷۵-۷۶، سال هفتم، شماره ۳-۴، ۳-۴-۶.
۱۹. _____، (ب)، «سیاست عمومی دولت ایلخانان در قبال خلیج فارس و ارزیابی موفقیت دولت سلغریان در آن»، *مجله تخصصی گروه تاریخ ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال چهارم، شماره پنجم، ۱۰۳-۱۱۹.
۲۰. رضوی، ابوالفضل، (۱۳۸۴)، «اهمیت و جایگاه تجارت در عهد ایلخانی»، ویراستار محمدرضا زاده‌وش، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ ۳-۴ خرداد/۱۳۸۴، اصفهان، ۳۲۷-۳۴۵.
۲۱. ستوده، حسینقلی، (۱۳۴۶)، *تاریخ آل مظفر*، جلد اول، دانشگاه تهران: تهران.
۲۲. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، (۱۳۵۳)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، قسمت اول، به اهتمام عبدالحسین نوایی، طهوری: تهران.
۲۳. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، (چاپ اول ۱۳۶۳)، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، امیر کبیر: تهران.
۲۴. الشریف‌الادریسی، ابی‌عبدالله محمد بن عبدالله ابن ادریس، (۱۴۰۹هـ-۱۹۸۹م)، *نزهة المشتاق فی اختراق الافاق*، الجلد الاول، بیروت.
۲۵. صفاء، عزیزالله، [۱۳۷۲]، *تاریخ جیوفت و کهنوج*، مرکز کرمان‌شناسی، کرمان.
۲۶. _____، (۱۳۷۴)، «*جبال بارز در مسیر تاریخ کرمان*»، مجموعه مقالات دومین سمینار ودهه کرمان‌شناسی، کرمان، ۱۳۹-۱۵۳.
۲۷. قزوینی، ذکریابن محمد محمود، (چاپ اول ۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، امیر کبیر: تهران.
۲۸. کتبی، محمود، (چاپ دوم ۱۳۶۴)، *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، امیر کبیر: تهران.
۲۹. کرمانی، عبدالرزاق، (۱۳۳۵)، «*تذکره در مناقب حضرت شاه نعمت‌الله ولی*»، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی کرمانی مشتمل بر ۱-رسالة عبدالرزاق کرمانی ۲-فصلی از جامع مفیدی ۳-رسالة عبدالعزیز واعظی، بتصحیح و مقدمه ژان او بن، انستیتو ایران و فرانسه: تهران، ۲۴-۱۳۱.

۳۲۰ / تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با...

۳۰. گروسی، عباس عبدالله، (چاپ اول ۱۳۷۴)، **جغرافیای تاریخی ناحیه بمپور بلوچستان (پهل پهره)**، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳۱. محمدبن ابراهیم، (۱۳۴۳)، **سلجوقیان و غز در کرمان**، تصحیح باستانی پاریزی، طهوری: تهران.
۳۲. مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲)، **نزهه القلوب**، مقاله سوم، باهتمام گی لسترنج، دنیای کتاب: تهران.
۳۳. منشی کرمانی، ناصرالدین، (چاپ دوم ۱۳۶۲)، **سیمط العلی للحضره الغلیا**، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، اساطیر: تهران.
۳۴. وثوقی، محمدباقر، (چاپ اول ۱۳۸۴)، **تاریخ خلیج فارس وممالک همجوار**، سمت: تهران.
۳۵. _____، (چاپ اول ۱۳۸۰)، **تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس**، دانشنامه فارس: شیراز.
۳۶. وزیری، احمدعلی خان، (۱۳۴۰)، **تاریخ کرمان (سالاریه)**، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات کتابخانه خاندان فرمانفرمائیان.
۳۷. یزدی، معین الدین بن جلال الدین محمد، (۱۳۲۶)، **مواهب الهی در تاریخ آل - مظفر**، جلد اول، تصحیح سعید نفیسی، انتشارات اقبال: تهران.
۳۸. یزدی، تاج الدین حسن بن شهاب، **جامع التواریخ حسنی**، ن.خ، شماره ۱۱۳۳۰.

39. Lambton, A.k.s,(1980),”Kerman”,Encyclopaedia of Islam,prepared by A Number of leading orientalist,edited by c.e Bosworth ,E.Van. Dinzal, B.Lewis and C H Pellat, under the Patronage of the international union of academies,Volume V,Leiden,pp174-166.